

اس. گلدمن

ترجمه و تعلیق: حسن رضایی هفتادار

یوسف صدیق و سرگذشت او

در دایرةالمعارف قرآنی مستشرقان

اشاره

تعالیم هدایت‌بخش قرآن که چون شمع فروزان، فراروی انسان‌هاست، از صدر اسلام تاکنون مورد توجه محققان علوم قرآنی قرار گرفته است. آنان حاصل پژوهش‌ها و تدبیرهای خود را در مورد این کتاب آسمانی در قالب کتاب‌ها و دایرةالمعارف‌ها به جهان علم عرضه کرده‌اند. از جمله آنها دایرةالمعارف قرآن (Encyclopaedia of the Quran) بوده که در ۵ جلد توسط انتشارات «بریل» در شهر لیدن (هلند) منتشر شده است. سرپرستار این دایرةالمعارف خانم «جین دمن مک‌اولیف» استاد تاریخ و ادبیات دانشگاه جرج تاون آمریکا است که چهار تن از معروف‌ترین قرآن‌پژوهان و اسلام‌شناسان غربی، وی را در این راه یاری داده‌اند. این چهار تن عبارتند از: کلود ژیلیو، از دانشگاه اِکس-آن-پروانس (فرانسه)، ویلیام گراهام از دانشگاه هاروارد (آمریکا)، و داد قاضی از دانشگاه شیکاگو (آمریکا)، اندرو ریپین از دانشگاه ویکتوریا (کانادا). البته مونیک برناردز و ولیچ مین از دانشگاه گرونینگن (هلند) و جان نواس از دانشگاه کاتولیک لیون، هیئت ویراستاران اصلی را یاری دادند.

همچنین هیئت مشاوران ارشد در این دایرةالمعارف عبارتند از: نصر حامد ابوزید از دانشگاه لیدن، محمد ارکون از دانشگاه سوربن فرانسه، گرهارد بورینگ از

دانشگاه ییل (آمریکا)، جرالد هاوتینگ از دانشگاه لندن، فرد لیمهاوس از دانشگاه گرونینگن (هلند)، آنجلیکا نویورت از دانشگاه برلین آلمان.

هر یک از مقالات کوتاه یا بلند این دایرةالمعارف، نوشته یکی از محققان مسلمان یا غیرمسلمان است که در دانشگاه‌های اروپا، کانادا و آمریکا و نیز برخی از کشورهای اسلامی، به تدریس و تحقیق در زمینه مطالعات قرآنی اشتغال دارند. از جمله مؤلفان مسلمان این دایرةالمعارف، می‌توان به نصر حامد ابوزید (مصری)، محمدعلی امیرمعزی (ایرانی)، محمد ارکون (الجزایری)، وائل حلاق (فلسطینی)، مستنصر میر (پاکستانی)، عبدالعزیز ساشادنیا (تانزانیایی) و محسن ذاکری^(۱) (ایرانی) اشاره کرد. همچنین شماری از قرآن‌پژوهان معروف غربی مانند هربرت برگ، هربرت یوسه، فردریک دنی، هربرت آیزنشتاین، ریچارد مارتین، هارولد موتسکی، اندرو ریپین، اری رُبین، مایکل سلز و آلفورد ولج، تألیف بخشی از مقالات دایرةالمعارف قرآن را بر عهده داشته‌اند. طرح تدوین و انتشار دایرةالمعارف قرآن، نخستین بار در ۱۹۹۳ در ملاقات میان خانم مک‌اولیف و آقای پری بیرمان از مسؤولان انتشارات بریل مطرح شد و بلافاصله پس از تأیید و قبول آن از سوی این انتشارات مهم، چهار تن از محققان قرآن‌پژوه غربی به نام‌های وُداد قاضی، کلود ژیلیو، ویلیام گراهام و اندرو ریپین، شورای ویراستاری این دایرةالمعارف را تشکیل دادند. اینان با دعوت از معروف‌ترین نویسندگان و محققان قرآنی در دانشگاه‌های سراسر جهان کوشیده‌اند کتابی مرجع در مطالعات قرآنی امروزی فراهم آورند که در این حوزه تخصصی، جدیدترین اطلاعات و پژوهش‌ها را به خوانندگان و علاقه‌مندان مباحث قرآنی ارائه کنند.

این طرح، مشابه طرح انتشار دایرةالمعارف اسلام توسط همین ناشر در لیدن

۱. محسن ذاکری، مؤلف مقاله «حکمت» در دایرةالمعارف قرآن بوده که راقم این سطور آن را ترجمه و در نشریه «گلستان قرآن»، شماره ۱۷۶، سال هفتم، خرداد ۱۳۸۳ منتشر شده است. (مترجم).

(هلند) است که به گونه‌ای بسیار وسیع‌تر، به تمامی مباحث و مطالعات اسلامی می‌پردازد. با این‌همه نباید از یاد برد که مقالات دایرةالمعارف قرآن همگی صرفاً از منظری قرآنی و یا مرتبط با قرآن تألیف نشده‌اند؛ اما در دایرةالمعارف اسلام، نگاه مؤلفان وسیع‌تر و کلی‌تر است و به همین جهت بسیاری از مدخل‌های دایرةالمعارف قرآن در دایرةالمعارف اسلام وجود ندارد و بالعکس.

از آنجا که قصد سرویراستار و هیئت ویراستاری این دایرةالمعارف، تهیه دانش‌نامه‌ای جامع و مرجع در حوزه مطالعات قرآنی بوده است، توجه ایشان به مباحث قدیم و موضوعات جدید، یکسان است. بر این اساس، مدخل‌های این دایرةالمعارف بر دو گونه‌اند: گونه نخست که اکثریت مقالات را تشکیل می‌دهند، به معرفی شخصیت‌های مهم، مفاهیم، مکان‌ها، ارزش‌ها و حوادث مهمی می‌پردازند که مستقیماً در خود قرآن به آنها اشاره شده است و یا اموری هستند که اهمیت و ارتباط نزدیکی با متن قرآن دارند. نمونه آنها مقالات ابراهیم، هارون، علی بن ابی‌طالب، کهف، ارتداد، تابوت عهد، عسرافات، تدفین، بدر، بسمله، نسخ و جز آن است. دسته دوم از مقالات این دایرةالمعارف به مباحث و موضوعات مهم حوزه مطالعات قرآنی می‌پردازند. چند نمونه از این مدخل‌ها عبارتند از: پژوهش‌های قرآنی معاصر، رایانه‌ها و قرآن، هنر و معماری و قرآن^(۱)، کنترل موالید، باستان‌شناسی و قرآن و زبان و خط عربی. در این هر دو دسته مقالات، هم اطلاعات و منابع کهن اسلامی و هم تحقیقات، نظریات و متون جدید قرآنی مدنظر بوده است.

بررسی مقالات نشان می‌دهد که مسؤولان علمی دایرةالمعارف قرآن (EQ) در انتخاب و گزینش مؤلف، بر تخصص و زمینه تحقیقاتی هر یک از مؤلفان تأکید ورزیده و سعی داشته‌اند تا تألیف مقالات مهم را به کسی بسپارند که در آن زمینه صاحب‌نظر بوده

۱. مقاله «هنر، معماری و قرآن» به قلم «الگ گرابار» است و توسط نگارنده، ترجمه و در نشریه «اسلام‌پژوهی»، شماره اول، پاییز و زمستان ۱۳۸۴، منتشر شده است. (م).

و تألیفاتی علمی- پژوهشی داشته باشد. برای نمونه تألیف مقاله پراهمیت «اسباب النزول» به قرآن پژوه معروف انگلیسی آقای اندور ریپین سفارش داده شده که به صورت تخصصی در این موضوع به پژوهش پرداخته و پایان نامه دکترای وی با عنوان «متون اسباب النزول قرآنی: بررسی کاربرد و تحول آن» است. خانم زاینه اشمیتکه مؤلف کتاب «اندیشه‌های کلامی علامه حلی» نیز که قبلاً به همراه مارتین مکدرموت و زیر نظر پرفسور ویلفرد مادلونگ، تأثیر و تأثر و ارتباط آرا و اندیشه‌های متکلمان بزرگ شیعه با مکتب کلامی اعتزال را بررسی کرده، تألیف مقاله مهم «معتزله» را عهده‌دار شده است. در انتخاب و نامگذاری مدخل‌های این دایرةالمعارف، شیوه‌ای رعایت شده است که در دایرةالمعارف اسلام سابقه ندارد. ویراستاران و هیئت علمی این دایرةالمعارف در نامگذاری مدخل‌ها، بنا را بر انگلیسی بودن واژه‌ها گذاشته‌اند و معروف‌ترین اصطلاحات و اسامی اسلامی را بر مبنای تلفظ عربی شان آوانگاری نکرده‌اند، بلکه همواره کوشیده‌اند تا حد امکان از معادل‌های انگلیسی و لاتین متداول در متون و ادبیات غربی استفاده کنند. مثلاً به جای نسخ (Nackh) از Abrogation و به جای تشبیه (Tashbih) از Anthropomorphism و به جای جاهلیت (Jahiliyya) از ترکیب Age of Ignorance استفاده کرده‌اند. ایشان حتی اسامی خاص و اعلامی چون آدم، ابراهیم، هارون، هابیل، قابیل، یاجوج و ماجوج و مانند آن را همانند دایرةالمعارف اسلام بر اساس تلفظ عربی، آوانگاری نمی‌کنند، بلکه بر مبنای ادبیات کتاب مقدس، معادل‌های انگلیسی آن‌ها را به کار برده‌اند.

البته اگر اسم خاص یا اصطلاحی که به عنوان یک مدخل به کار گرفته شده، معادلی در زبان لاتین نداشته باشد، بر مبنای تلفظ عربی اش آوانگاری شده است. مانند همه نام‌ها و اسامی خاص مربوط به حوزه اسلام نظیر علی بن ابی طالب، ابوبکر، حمزة بن عبدالمطلب و فاطمه که در متون مقدس غربیان به کار نرفته و اصطلاحاتی نظیر جن، مصحف، معتزله، ناموس، حنیف، برزخ و بسمله که تنها در حوزه اسلام مطرح شده

است. این روش هرچند برای غریبان مفهوم‌تر و مقبول‌تر است این ایراد را دارد که از سیستم جامعی جهت ارجاع مدخل‌های هم‌معنایی بهره است^(۱) که البته نقد و بررسی جامع این دایرةالمعارف فرصت گسترده‌ای لازم دارد.

به لحاظ اهمیت نقطه نظر مستشرقان پیرامون مباحث اسلامی، در این نوشتار ترجمه یکی از مقالات دایرةالمعارف مذکور با عنوان «یوسف» به قلم اس. گلدمن ارائه می‌شود. امید است ترجمه این قبیل آثار، گامی در جهت آشنایی با دیدگاه‌های اسلام‌شناسان غربی باشد.

یوسف

پسر یعقوب داستانش در سوره یوسف - سوره دوازدهم قرآن - بیان شده است. این سوره به ذکر داستان یوسف اختصاص یافته و به تنهایی، مفصل‌ترین زندگی‌نامه یک شخصیت را در قرآن تشکیل داده است. ۱۱۱ آیه این سوره رخدادهای زندگی یوسف را نقل می‌کنند. از گفتگوهای دوران کودکی یوسف با پدرش - یعقوب - و برادرانش^(۲) گرفته تا گفتگوهایی که به تبعید و زندانی شدن او منجر شدند و رفع کشمکش‌های خانوادگی به واسطه هدایت و وحی الهی^(۳).

در آیه سوم سوره یوسف اعلام می‌شود که قرار است «نیکوترین سرگذشت‌ها»

۱. برای اطلاع بیشتر از دایرةالمعارف قرآن: ن.ک: مقاله «آشنایی با دایرةالمعارف قرآن» در شماره ۸۶ نشریه گلستان قرآن، «انتشار جلد سوم دایرةالمعارف قرآن» در شماره ۷۳ نشریه کتاب ماه دین، «پیشگفتار دایرةالمعارف قرآن». (م).

۲. ن.ک: به مقالات (BENJAMIN ; BROTHER AND (BROTHERHOOD) (بنیامین، برادر و برادری) در دایرةالمعارف قرآن.

۳. ن.ک: مقاله (REVELATION AND INSPIRATION) (وحی و الهام) در همین دایرةالمعارف.

أحسن القصص) نقل شود^(۱). مفسران قرآن، اختلاف نظر دارند که آیا عبارت اخیر، ارجاعی مستقیم به داستان یوسف است یا اظهارنظری کلی درباره کیفیت قصه‌های قرآن؟ مفسرانی که قصه یوسف را بهترین قصه می‌دانند، دلایل عدیده‌ای را برای برتری آن ارائه می‌کنند^(۲). «این داستان به خاطر درس‌های عبرت آموز نهفته در آن، سخاوت یوسف و گنجینه‌ای از موضوعات مختلف، از همه داستان‌ها زیباتر است و در آن پیامبران^(۳)، فرشتگان^(۴)، شیاطین^(۵)، جنیان، انسان‌ها، جانوران، پرنندگان^(۶)، فرمانروایان^(۷) و رعایا هر کدام نقشی ایفا می‌کنند^(۸)».

در جای جای این سوره دعوت‌های متعددی هست که مؤمنان را ترغیب می‌کند تا در پس امور انسانی، دست خداوند را ببینند و به قدرت نبوت راستین پی ببرند. پس یوسف را می‌توان نمونه و سرمشق اصلی قرآن دانست: او پیامبری (نبی) است که ریشخند و تبعید می‌شود؛ اما نهایتاً حرف‌هایش به کرسی می‌نشیند و منزلت بسیار می‌یابد. به تعبیری، یوسف، الگوی زندگی محمد ﷺ است و بسیاری از تفاسیر^(۹) مضمون و کارکرد اصلی سوره یوسف را همین موضوع می‌دانند^(۱۰). این تفسیر از پشتوانه

۱. ن.ک: مقاله (NARRATIVES) (قصص) در همین دایرةالمعارف.
۲. ن.ک: مقاله (MYTHS AND LEGENDS IN THE QURAN) (اسطوره‌ها و افسانه‌ها در قرآن)، در همین دایرةالمعارف.
۳. ن.ک: مقاله (PROPHETS AND PROPHETHOOD) (انبیاء و نبوت)، در همین دایرةالمعارف.
۴. ن.ک: مقاله (ANGEL) (فرشته) در همین دایرةالمعارف.
۵. ن.ک: مقاله (DEVIL) (شیطان)، در همین دایرةالمعارف.
۶. ن.ک: مقاله (COSMOLOGY; ANIMAL LIFE) (جهان‌شناسی، زندگی حیوانات) در همین دایرةالمعارف.
۷. ن.ک: مقاله (SOCIETY IN THE QURAN) (KINGS AND RULERS; COMMUNITY AND) (سلاطین و حاکمان، جامعه و بزرگان در قرآن)، در همین دایرةالمعارف.
۸. ثعلبی، قصص، ر.ک: ذیل بحث مذکور.
۹. ن.ک: مقاله (MEDIEVAL AND) (EXEGESIS OF THE QURAN: CLASSICAL AND) (تفسیر قرآن: دوران اسلام و سده‌های میانه) در همین دایرةالمعارف.
۱۰. ن.ک: مقاله (OPPOSITION TO MUHAMMAD) (مخالفت با محمد) در همین دایرةالمعارف.

روایت «اسباب نزول» نیز برخوردار است که آن روایت چگونگی نزول این سوره را در زمانی می‌داند که شکاکان، دانش محمد ﷺ را نسبت به داستان‌های بنی اسرائیل مورد تردید قرار داده و در این باره از او سؤال کرده بودند^(۱). این سوره پاسخی است به سؤال فوق و در نتیجه داستانی آکنده از جزئیات است و اطلاعاتی را دو بر می‌گیرد که حتی پیش از این در بازگویی‌های قصه‌های خاندان یعقوب هم یافت نمی‌شود.

بیضاوی در تفسیر آیه نخست این سوره - «این است آیات کتاب روشن‌گر» - تفسیری ارائه می‌دهد که با معنای ساده این نص، متفاوت است. تفسیر او به قرار زیر است: «این سوره، سوره‌ای است که سؤالات یهودیان را روشن ساخت... در خبر است که احبار ایشان به سران مکه گفتند: از محمد علت سفر خاندان یعقوب از شام به مصر و سرگذشت یوسف را پرسید. این سوره در چنین شرایطی نازل شد». در نوبتی دیگر، از محمد ﷺ حتی جزئیات بیشتری پرسیده می‌شود که او در پاسخ نام ستارگانی^(۲) را که یوسف در رؤیایش دیده بود بازگو می‌کند^(۳).

در این داستان رؤیاهای^(۴) نقش اصلی را ایفا می‌کنند. رؤیای کودکی یوسف که حاکی از رسیدن او به جاه و مقام بود و برادرانش را به شدت رنجاند. در آیه‌های چهار تا هفت سوره یوسف توصیف می‌شود. رؤیاهای پادشاه مصر^(۵) او را نگران می‌کنند. آنها «خواب‌هایی پریشان» (أضغاثُ أخلام) هستند و تنها یوسف می‌تواند تعبیر واقعی آنها را عرضه کند. در این آیات انسان می‌تواند ایجاز داستان را که در سوره یوسف مؤثر است، ببیند. در داستان‌های تورات از یوسف، هر دو دسته رؤیا یعنی رؤیاهای یوسف و

۱. بیضاوی، انوار.

۲. ن.ک: مقاله (PLANTES AND STARS) (سیارات و ستارگان) در همین دایرةالمعارف.

۳. زمخشری، کشف. ن.ک: مقاله (JEWES AND JUDAISM) (یهودیان و یهودیت) در همین دایرةالمعارف.

۴. ن.ک: مقاله (DREAMS AND SLEEP) (رویاها و خواب) در همین دایرةالمعارف.

۵. ن.ک: مقاله (PHARAOH) (فرعون) در همین دایرةالمعارف.

روایات فرعون، هر کدام از دو رؤیا تشکیل می‌شوند؛ ولی قرآن برای هر شخصیت تنها یک رؤیا بازگو می‌کند. چکیده پیام‌های این رؤیاها از طریق نحوه نگارش و تعبیرهای بازگوشده آنها انتقال می‌یابد^(۱).

در میان این دو دسته رؤیا، (رؤیای یوسف و رؤیای فرعون) بخشی از داستان جای دارد که هم در فرهنگ اسلامی و هم در فرهنگ غرب، بیشترین توجهات تفسیری و ادبی را از آن خود کرده است. فرازی از داستان که در آن بانوی ارباب یوسف در صدد اغوای او برمی‌آید. دلایل تن ندادن یوسف به پیشنهاد این زن که نامش ذکر نشده و بزرگ‌تر از یوسف است، مستقیماً بیان نمی‌گردد. صرفاً نقل می‌شود که یوسف با دیدن «برهان پروردگارش» (بُرْهَانَ رَبِّهِ آیه ۲۴) از وسوسه دوری جست که این «برهان» در تفاسیر، تعبیر گوناگونی یافته و مثلاً رؤیت تصویر ارباب آن خانه یا تصویر پدرش یعقوب انگاشته شده است. مطلب مذکور در تفاسیر دیگر به اشکال زیر نیز تفسیر شده است: «ندای» الهی به یوسف فرمان می‌دهد که گناه نکند یا نقش بستن آیات قرآنی بر دیوار که بیانگر حذر از گناه بودند^(۲).

در پی ماجرای یوسف و بانوی اربابش و نیز برخورد بعدی او با «زنان شهر» وی را به زندان انداختند که تنها پس از تعبیر خواب پادشاه مصر، از آن رهایی یافت. قرآن در اینجا بر بی‌گناهی یوسف پای می‌فشارد و صحنه را برای گسترده شدن نیمه دوم سرگذشت وی آماده می‌کند. نیمه دوم سوره یوسف به برخوردهای پرماجرا میان یوسف و اعضای خانواده‌اش اختصاص دارد. برادران یوسف - که نامشان ذکر نمی‌شود - مدام بین پدرشان - یعقوب - و برادرشان - یوسف - رفت و آمد می‌کردند و به دنبال رفع اختلاف

۱. ن.ک: مقاله (SCRIPTURE AND THE QURAN) (کتاب آسمانی و قرآن)، در همین دایرةالمعارف.

۲. ن.ک: مقاله (FORNICATION; MAJOR AND MINOR; ADULTERY AND) SEXUALITY (گناه، بالغ و صغیر، زناى محصنه و غیر محصنه، جماع و شهوت) در همین دایرةالمعارف.

خانوادگی بودند. پیش از ورود همزمان این برادران و پدرشان به مصر، این اختلاف برطرف می‌شود. یوسف به برادرانش اطمینان می‌دهد که نکوهش نخواهند شد و به یعقوب گفته می‌شود که فرزندانش بخشیده شدند. این سوره در پایان داستان خواننده/شنونده را ترغیب می‌کند تا اراده الهی را در پس سرگذشت یوسف مشاهده کند. اراده‌ای که صرفاً به واسطه فرستادگان خداوند آشکار می‌شود^(۱).

نام یوسف در دو سوره دیگر به جز سوره یوسف نیز ذکر می‌شود. نام یوسف در فهرستی از پیامبران پیشین، میان ایوب و موسی (قرآن ۶:۸۴) به چشم می‌خورد. درباره همین مضمون که یوسف یکی از پیامبران پیشین - و در نتیجه سلف و الگوی محمد - است به آیه ۳۴ سوره غافر مراجعه کنید. آنجا که بیان می‌شود: «و به یقین، یوسف پیش از این، دلایل آشکار برای شما آورد و از آنچه برای شما آورد همواره در تردید بودید تا وقتی که از دنیا رفت گفتید: خدا بعد از او هرگز فرستاده‌ای را برنخواهد انگیزت».

در قرآن نه به مرگ یوسف اشاره می‌شود و نه به مراسم خاکسپاری او؛ اما در افسانه‌های اسلامی به آنها پرداخته می‌شود. طبری (متوفی ۳۱۰/۹۲۳) در روایتی نقل می‌کند که یوسف ۱۲۰ سال عمر کرد. همچنین وی با استناد به روایتی از کتاب مقدس بیان می‌کند که یوسف در سن کمتر از این درگذشته است. «در تورات ذکر می‌شود که ۱۱۰ سال عمر کرد و آفرایم و مناسه از او به دنیا آمدند». در فرهنگ عامه اسلامی به استفاده از تابوت یوسف برای تضمین حاصل خیزی مصر نیز اشاره می‌شود. بیضاوی (متوفی حدود ۶۸۵/۱۲۸۶) در تفسیرش درباره سوره یوسف می‌گوید: «...مصریان بر سر محل دفن یوسف با یکدیگر مشاجره می‌کردند و اختلافشان در آستانه بدل شدن به جنگ بود. سرانجام تصمیم گرفتند او را در تابوتی از سنگ مرمر بگذارند و در رود نیل دفن کنند تا آب از رویش بگذرد و به تمام مصر برسد. به این ترتیب همه مصریان به یک اندازه از او

۱. ن. ک: مقاله (MESSENGER) (رسول)، در همین دایرة المعارف.

بهره‌مند می‌شدند». استخوان‌های یوسف را از شام به مصر بردند.

روایات اسلامی در مورد محل نهایی دفن یوسف با یکدیگر مناقشه دارند. مطابق روایتی، این محل در حرم الخلیل شهر حبرون^(۱) و بنا بر روایتی دیگر در روستای بَلْتَه^(۲) در نزدیکی نابلس است. از همین مرور اجمالی آشکار می‌شود که روایات فرهنگ عامه و تفسیری دربارهٔ سورهٔ یوسف بسیار مفصل‌اند. تحقیقات غربی اولیه صرفاً به تطبیق این سوره با روایت‌های یوسف در تورات توجه داشتند؛ اما تحقیقات جدیدتر به ویژگی‌های ادبی این سوره و مناسبت این داستان با زندگی محمد ﷺ توجه دارند.

اس. گلدمن

تعلیقه مترجم

چنان که گذشت مضمون کلام نگارندهٔ مقاله در تفسیر آیات ۲۳ و ۲۴ سورهٔ یوسف بدین قرار است:

«وقتی همسر عزیز مصر پیشنهاد کام‌جویی به یوسف داد، یوسف آن پیشنهاد را پذیرفته و در صدد عملی کردن آن برآمد؛ اما با مشاهدهٔ برهان پروردگار از انجام تصمیمش منصرف گردید. بنا بر نظر برخی از مفسران، مراد از این برهان، ندای خداوند بود که به یوسف فرمان داد تا گناه نکنند. مطابق دیدگاه پاره‌ای دیگر، منظور از برهان، آن است که یوسف در حالت مکاشفه، سیمای پدرش - یعقوب - را دید و در حالی که انگشت خود را به دندان می‌گزیذ وی را از ارتکاب به عمل زشت زنا نهی کرد.»

مطالب تفسیری فوق که بیان‌گر نسبت قصد انجام عمل زنا به یوسف هستند را

۱. یاقوت حموی، معجم البلدان، ج ۲، صص ۴۹۹-۴۹۸.

۲. همان، ج ۱، ص ۷۱۰ و الهروی، Guide، ۶۱.

نمی‌توان پذیرفت زیرا:

۱. مستند تفاسیر یاد شده، اخبار مجعول و غیر قابل اعتماد هستند. از تأمل دقیق در محتوای این اخبار چنین به نظر می‌رسد که آنها از زمره اسرائیلیات باشند و بر هر محقق ژرف‌نگری کاملاً واضح و مبرهن است که اسرائیلیات تا چه اندازه، بی‌پایه و اساس هستند. علت آن‌که نگارنده مقاله، چنین نظریاتی را در تفسیر آیات ۲۳ و ۲۴ سوره یوسف برگزیده آن است که از منابع اهل سنت استفاده کرده است. توضیح آنکه اهل سنت قائل به عصمت انبیا نیستند بنابراین مطالب زشت و زننده‌ای چون قصد انجام عمل زنا را به یوسف نسبت داده و در منابع خود ذکر کرده‌اند.

۲. خداوند در آیه ۲۴ سوره یوسف با تعبیر «...إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُخْلَصِينَ» از یوسف یاد می‌کند. آیا بر اساس توصیف فوق که یوسف از بندگان مخلص (خالص شده) حضرت حق قلمداد می‌شود، می‌توان قصد انجام عمل بسیار زشت زنا را به یوسف نسبت داد؟ هرگز! حضرت امام رضا علیه السلام در خصوص مسأله مورد بحث می‌فرماید: «همسر عزیز مصر تصمیم به کام‌جویی از یوسف گرفت و یوسف نیز اگر برهان پروردگارش را نمی‌دید، همچون همسر عزیز مصر تصمیم می‌گرفت؛ ولی او معصوم بود و معصوم هرگز قصد گناه نمی‌کند و به سراغ آن نمی‌رود»^(۱).

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱. طبرسی، فضل بن حسن. مجمع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت ۱۴۰۶ (هـ.ق) ج ۵، صص ۳۲۵-۳۳۹، طیب، سید عبدالحسین، اُطیب البیان فی تفسیر القرآن، تهران، ۱۳۷۸ (هـ.ش) ج ۷، صص ۱۷۶-۱۷۹ و قرشی، سید علی‌اکبر، احسن الحدیث، تهران ۱۳۷۷ (هـ.ش) ج ۵، صص ۱۰۹-۱۰۷ و مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، قم، ۱۴۰۳ (هـ.ق) ج ۹، صص ۳۸۲-۳۶۶.